

ردپاي دایناسورها در ایران



سرزمین ایران از ۲۱۰ تا ۱۳۰ میلیون سال پیش و بویژه در دوره ژوراسیک (۲۰۵ تا ۱۴۰ میلیون سال پیش) یعنی در دوران دوم زمین‌شناسی که به عهد دایناسورها معروف است به شکل مجمع الجزایری در اقیانوسی واقع در جنوب خشکی بزرگی که شامل آسیا و اروپای امروزی است، قرار داشت.

جام جم آنلاین: سرزمین ایران از ۲۱۰ تا ۱۳۰ میلیون سال پیش و بویژه در دوره ژوراسیک (۲۰۵ تا ۱۴۰ میلیون سال پیش) یعنی در دوران دوم زمین‌شناسی که به عهد دایناسورها معروف است به شکل مجمع الجزایری در اقیانوسی واقع در جنوب خشکی بزرگی که شامل آسیا و اروپای امروزی است، قرار داشت.

آب و هوای گرم و مرطوب آن زمان باعث رشد انبوهی از گیاهان به شکل جنگل‌ها و بوته‌زارهایی در این جزایر شده بود که آثار آنها امروز به شکل معادن زغال سنگ در شمال و مرکز کشور دیده می‌شود. این موضوعات شرایط را برای زیست دایناسورها در ایران مهیا کرده بود و بقایای فسیلی و آثار دایناسورهای ایرانی نیز تاکنون از چند نقطه از کوه‌های البرز و همین‌طور مناطقی از شمال کرمان یافت شده است. آثار یافت شده به طور عمده شامل ردپاها و به تعداد انگشت‌شماری شامل بقایای اسکلتی از قبیل قطعات استخوان و دندان است.

اولین آثار یافت شده دایناسورها در ایران ردپاهایی بود که در نتیجه پی‌جویی‌های اکتشاف زغال‌سنگ در دره نیزار در شمال زرنند کرمان سال ۱۳۴۸ کشف شد. از قضا قالبی از این ردپاها در نمایشگاه بین‌المللی آسیایی که آن سال در تهران برگزار شد به نمایش گذاشته شد.

این نمایش عمومی موجب جلب توجه مسئولان به حضور دایناسورها در ایران شده و مدت کوتاهی پس از آن اولین سفر اکتشافی برای یافتن آثار و بقایای دایناسورها در ایران توسط سازمان زمین‌شناسی و با رهبری دایناسورشناس معروف فرانسوی آلبرت دولاپارن، که بسیاری از نقاط جهان را در جستجوی دایناسورها در نور دیده بود، در چند ناحیه از کرمان ترتیب داده شد.

در نتیجه این جستجوها آثار ردپای بیشتری از دایناسورها در دره نیزار کشف شد ولی بقایایی از اسکلت دایناسورها بدست نیامد. بخشی از ردپاهای یافت شده به موزه سازمان زمین‌شناسی منتقل شد، اما اولین و زیباترین ردپای دایناسور ایرانی که همچنان به شکل طبیعی خود تا همین اواخر در دره نیزار قرار داشت، مدتی است توسط افراد سودجو و ناآگاه دچار تخریب‌شده و بخشی از آن از بین رفته است. پس از این اکتشافات ابتدایی، اثر دیگری از ردپای دایناسور در منطقه زیرآب مازندران (البرز غربی) یافت شد که نمونه فوق هم توسط دولاپارن مطالعه و به عنوان نمونه جدیدی از ردپای دایناسور نامگذاری شد.

متأسفانه به دلیل برخی سهل‌انگاری‌ها این اثر از بین رفته یا در محل نامعلومی نگهداری می‌شود. پس از این اکتشافات اولیه، ۳۰ سال فعالیت خاصی در زمینه اکتشاف و مطالعه دایناسورها در ایران صورت نگرفت تا آن که سال ۱۳۸۱ با تلاش‌های من و سازمان زمین‌شناسی کشور، دومین عملیات پی‌جویی دایناسورها در ایران با حضور متخصصانی از کشورهای برزیل و ایتالیا در منطقه کرمان برگزار شد.

در جریان این کاوش‌ها علاوه بر بررسی مجدد آثار ردپا در دره نیزار و کشف چند اثر دیگر در همان منطقه، با کمک، توصیه‌ها و راهنمایی‌های گزارش‌های دولاپارن توانستیم اولین آثار اسکلتی دایناسورها، که شامل چند قطعه استخوان و یک دندان بود را در رسوبات قرمز رنگ مشهور به سری‌بیدو در مسیر جاده کرمان - راور پیدا کنیم. پیش از این برنامه اکتشافی نیز بررسی‌های من در این مناطق منجر به کشف آثار دیگری که می‌توان آن را به دایناسورها نسبت داد، شد.

پس از این برنامه اکتشافی و باوجود اشتیاق متخصصان خارجی به ادامه پی‌جویی‌ها در ایران، فرصت ده ساله دیگری در اکتشاف دایناسورها در ایران رخ داد و طی این دوره آثار ردپایی از یک دایناسور کوچک در منطقه هرزویل (البرز شرقی) مطالعه و معرفی شد. همچنین تخته‌سنگی که حاوی تعداد زیادی ردپای دایناسور با ابعاد مختلف بود در بین مصالح ساختمانی یک خانه روستایی در منطقه دشت خاک کرمان، شناسایی و به موزه سازمان زمین‌شناسی کرمان منتقل شد.

از ابتدا و با کشف اولین آثار ردپای دایناسورها در ایران مشخص شد که همزمان دایناسورهای گیاهخوار و گوشتخوار در ایران ساکن بوده‌اند. عمده آثار ردپاهای موجود در کرمان به دایناسورهای گوشتخوار تعلق داشته، کشفیات بعدی از دور و نزدیک از جمله ردپاهای یافت شده در نقاط مختلف البرز و همچنین ردپاهای جدید کرمان نیز نشان از بیشتر بودن تعداد دایناسورهای گوشتخوار نسبت به گیاهخوار دارد. آثار اسکلتی اندک یافت شده نیز بیانگر تعلق آنها به گوشتخواران است. بنابراین بیشتر آثار دایناسورهای ایران که تا امروز یافت شده به گوشتخواران دو پا با جثه‌هایی متوسط یا کوچک مربوط بوده است.

با این حال باید توجه داشت که وفور گوشتخواران در یک منطقه نیازمند تعداد فراوان‌تری از موجودات گیاهخوار است تا امکان تغذیه و بقای آنها را فراهم کند. بنابراین بدون تردید باید دایناسورهای گیاهخوار فراوانی نیز در ایران دوره ژوراسیک وجود داشته باشند.

با تغییر در شرایط جغرافیایی دیرینه ایران و با پیشروی گسترده دریاها در ابتدای دوره کرتاسه (۱۳۰ میلیون سال پیش) که آثار آن در اکثر نواحی کشور قابل مشاهده است، دریاها کم‌عمق و عمیق بیشتر نقاط سرزمین‌مان را فراگرفت و نواحی خشکی موجود در البرز و ایران مرکزی که زمانی زیستگاه دایناسورها بود به زیر آب فرورفته و در نتیجه دیگر محیط زیست مناسبی برای زندگی دایناسورها در ایران وجود نداشت تا این موجودات به زندگی خود ادامه دهند.

در یکی دو سال گذشته آثار ردپای فراوانی از دایناسورها در ناحیه بلده (البرز مرکزی) یافت شده است که متأسفانه عمده این آثار در اثر پدیده زمین لغزش از بین رفته است. عملیات پی‌جویی دایناسورها در منطقه کرمان نیز از سال گذشته دوباره به طور مقدماتی آغاز شده و امید است با تداوم آن در سال‌های آینده و در نواحی بیشتر، کشفیات قابل توجهی صورت پذیرد.

با توجه به گستردگی رسوبات مستعد حاوی دایناسور در ایران که بیشتر آنها در نواحی شمال کرمان و البرز مشاهده شده‌اند، باید عنوان کرد که کاوش‌های انجام شده تا امروز که عمدتاً چند روزه و با تعداد نفرت اندکی همراه بوده است نمی‌تواند جوابگو باشد.

برای گسترش پی‌جویی‌ها نیاز به افراد علاقه‌مندی است که روزها در نواحی مستعد به پی‌جویی و کاوش بپردازند و لازم است مخاطرات پی‌جویی در برخی از این نواحی نیز رفع گردد تا آثار بیشتر و ارزشمندتری از دایناسورها در ایران یافت شود.

تا آن روز علاقه‌مندان می‌توانند تعدادی از ردپاهای اصلی و همچنین قالب تعدادی دیگر از آنها و نیز آثار استخوانی و دندان یافت شده از دایناسورهای ایرانی را در موزه سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور واقع در خیابان معراج تهران از نزدیک بازدید کنند.

ادعاهای دروغین، خطری در کمین دیرینه‌شناسی

یکی از مخاطراتی که در سال‌های اخیر گریبانگیر دیرینه‌شناسی و بویژه دایناسورهای ایران گشته، ادعاهای برخی افراد فاقد صلاحیت و تحصیلات مرتبط در این عرصه است؛ ادعاهایی سراسر نادرست و کذب که از نظر دیرینه‌شناسان بسیار مضحک و موجب وهن این علم و جایگاه آن است. این افراد با دیدن تکه سنگی که در زایش خیال و تصورات اشتباهشان همانند سر یک موجود است ادعای کشف دایناسورها، آن هم نه یکی، دو تا بلکه صدها و هزاران، در کشور نموده‌اند. این در حالی است که مشکل این افراد احتمالاً از بازدید برخی غارها و دیدن برخی تصاویر زاده خیال در این نقاط (مانند ستونی که در غاری به شکل پای عقاب یا... درآمده) و سپس تعمیم این خیال‌پردازی‌ها در کوه و بیابان است. اگر قرار بود این خیال‌پردازی‌ها ملاک باشد احتمالاً همه افراد می‌توانند در کوه‌ها و صخره‌ها آثاری از انواع و اقسام موجودات را بیابند. متأسفانه دامن زدن به این اخبار و ادعاهای بی‌پایه و اساس توسط این افراد یا یک خبرگزاری باعث شده تا حتی دانشجویان رشته دیرینه‌شناسی را نیز بعضاً به خطا انداخته و به بیراهه کشانده شوند. باید گفت آثار دایناسورها هم در ایران و هم در بیشتر نقاط جهان بسیار اندک است و این نایابی است که باعث ارزش آنهاست. بی‌گمان اگر کشف قابل ملاحظه و واقعی در این زمینه در کشور صورت پذیرد، همانند دیگر کشفیاتی که تاکنون انجام شده همگی در سمینارهای معتبر داخلی و خارجی ارائه خواهند شد و مقالات تخصصی آنها نیز در ژورنال‌های علمی و پژوهشی معتبر به چاپ خواهند رسید. بنابراین به همه علاقه‌مندان توصیه می‌شود در جستجوی اخبار، آثار دایناسورهای واقعی را تنها در مجموعه مقالات همایش‌ها و مقالات مجلات معتبر بیابند و نه در میان اخبار و مطالب اینترنتی که توسط هیچ متخصصی درستی و نادرستی آنها بررسی نشده است.

دکتر مجید میرزایی عطاآبادی / دکترای دیرینه‌شناسی مهره‌داران